

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۱۵ می ۲۰۱۴

## خطاب به چپ انقلابی افغانستان!

"ترس از گام برداشتن به سوی سوسیالیسم، رقت انگیز ترین و بزرگترین خیانت، به امر پرولتاریاست."

لنین"

خیزید تا که محشر سرخی به پاکنیم  
عهدی سپرده ایم به مردم به جاکنیم

بداست خشم خلق و به شمشیر انقلاب  
سرهای دشمنان زتن شان جدا کنیم

جاری شود چوسیل خروشنده ای ز خون  
در موج آن چوماهی مستی شناکنیم

دراختخار مرگ پراز ننگ دشمنان  
برروی نعش مرتجعین رقص هاکنیم

( سرمد )

خطاب به چپ انقلابی افغانستان!

با مرور و بازنگری کارنامه ها و عملکرد های غرور آفرین (جریان دموکراسی نوین افغانستان-شعله جاوید) و سازمان هائی که از بطن این جریان تراز نوین و فراگیر ملی، متولد شدند و بالاخره نقش رزمی و حماسی این سازمان ها در جنگ مقاومت میهنی ضد شوروی، بالاخص نقش برانزده (سازمان آزادیبخش مردم افغانستان-ساما) و نکته گذاری بالای کمبودی ها و اشتباهات گذشته، قاطعانه برای وحدت انقلابی گام برداریم و درفش سرخ مبارزاتی را که «محمودی ها»، «مجید کلکانی ها»، «قیوم رهبرها»، «فیض ها»، «بهمن ها»، «سیدال ها» و «رستاخیز ها» به ما سپرده اند تا روز پیروزی و قدم گذاشتن به جامعه رفاه اجتماعی در اهتزاز نگهداریم.

یکی از کلماتی که طی سه دهه اخیر در فضای سیاسی کشور رایج بوده همین کلمه وحدت است که هیچ کسی تا به حال بدان عمل نکرده است. تقریباً همه گروه ها و جناح ها به یکسان از این واژه در موارد مختلف استفاده می کنند. اما افراد و مسئولین سازمان های سیاسی نیز در استفاده از این واژه بی نصیب نبوده چرا که آنان نیز بارها از این واژه استفاده کرده و می کنند و نیروهای انقلابی را به وحدت فرا می خوانند. این افراد با نام های مستعار ظاهر می شوند و از وحدت چپ انقلابی داد می زنند و اما تصریح نمی کنند که خواهان چه نوع وحدتی اند و بر مبنای کدام اصول؟

یک عده افرادی که خود را چپ انقلابی می خوانند و اما می گویند که شرایط مبارزه تغییر خورده است؛ باید چنین و چنان کرد. اما این افراد آگاه نیستند که در اصول (م ل ا) کدام تغییر و تحولی صورت پذیرفته است و چپ انقلابی باید بدون چون و چرا از این اصل انقلابی پیروی کرده و بستر مبارزه را برای آغاز جنگ توده ئی طولانی هموار سازند و در غیر آن اپورتونیست هائی بیش نبوده و تنها با حرفی و لفاظی خویش را مطرح می سازند تا با این ترفند خایانه به چپ انقلابی راستین ضربه وارد سازند.

طور مثال یک عده افراد بی مسلک که سوابق مبارزاتی و پایگاه توده ئی اصلاً نداشتند و ندارند، در فیسبوک ظاهر می گردند و با بلند کردن شعار هائی سرخ، ترجیع بند «جنگ خلق» را نشخوار می دارند؛ این قماش افراد که چند نفری بیش نیستند در تبنائی با خلقی کهنه پیخ «داکتر» غفور ثنا «پولاد» مسوول بیت الخلالی «پیام آزادی»، «انجنیر» صادق ظفرمفعول، دلال بدنام، جاسوس کثیف (خاد)، مسوول مرداب «شورش» و «انجنیر» ضیاء معروف به «حسین جاسوس» رهبر «حزب کمونیست مائونیست» ساخته و دستپورده «آی. اس. آی.» که دارای چند عضو انگشت شماری اند فعلاً تحت نظارت امپریالیسم جهانی مسوول «باز سازی» آبادات تاریخی زون غربی کشور می باشند، ماسک انقلابی و شعله ئی به رخسار زرد کشیده، از طریق و رای مجازی انترنت غوغا بر پا کرده اند و با استفاده از اسم و رسم جریان پر افتخار (شعله جاوید) که هیچ کدام شان شعله ئی نبوده و مورد نفرت شعله ئی ها قرار دارند، فکرمی کنند که با این حرکت ردیالنه و بی ناموسانه برای خود هویت و اعتبار سیاسی می خردند و در رأس جنبش چپ انقلابی قرار می گیرند؛ زهی لولو گری و خرگری!

چپ انقلابی باید متوجه این مار های زرد یخزده باشند و آنان را با تمامی امکانات موجود مردود بشمارند و همانند خلقی، خادی و پرچی با آن ها با قاطعیت رفتار و برخورد انقلابی نمایند و کوشش کنند تا این حرامزادگان و زنازادگان را افشاء و رسوا سازند.

بنابراین ما همه اعضای اصلی چپ انقلابی باید سعی کنیم تا آن جا که ممکن است ابعاد مختلف این واژه و کاربرد های آن را در فضای کنونی سیاسی کشور بررسی کنیم و راهی را که منجر به وحدت چپ انقلابی گردد جست و جو نماییم. اگر اعضای چپ انقلابی در داخل و خارج حاضراند تا بستر وحدت سیاسی و رزمی را هموار نماییم، نخست تک روی ها را کنار گذاشته و از طریق سازمان های خود باید به این موضوع حیاتی که سرنوشت مردم و کشور مان بدان بستگی دارد، دریچه روشن وحدت انقلابی را بگشائیم. در ثانی، باید نهایت محتاط عمل کرد تا جاسوسان تحت نام ها و عناوین سرخ و انقلابی ما را فریب نداده و سرنوشت تلخ و خونین دوران مقاومت ملی باز هم تکرار نگردد. با رد حتمی انجونیست ها، انقیاد طلبان، اپورتونیست هائی شامل دولت و حکومت، سکتاریست ها، تجزیه طلبان، مدعیان قلابی مائونیسم، «افغانستانی» ها و «خراسانی» ها، به پیش به سوی وحدت سیاسی و رزمی نیرو های چپ انقلابی!

یا مرگ یا پیروزی!